

پیدایش و هدف نهضت

از اواسط دهه ۷۰ میلادی، در رویکرد حاکم بر فعالیت‌های تربیتی چرخشی پدید آمد و تأکید بر دانش‌آموز و پرورش کلیت وجود او جای خود را به تمرکز بر محتوا و مهارت‌های شناختی حداقلی داد. دیدگاه فلسفی جدید با نام‌های مختلفی مانند درس‌های پایه، ۲۳R و نهضت بازگشت به پایه‌ها^۳ معرفی شده است (گاورنالی^۴، ۱۹۸۳، ص ۵۶۴). این نهضت نشانه خواست والدین و جامعه برای بهره‌مندی کودکان از بهترین آموزش بود و در همان زمان، برخی اعتقاد داشتند که موفقیت واقعی آن در سایه همکاری و مسئولیت مشترک معلمان و والدین تضمین می‌شود (شرایر^۵، ۱۹۸۰، ص ۲۸۶). اگرچه نویسندگان عرصه تعلیم و تربیت و مطبوعات پرمخاطب، نهضت بازگشت به پایه‌ها را تحلیل کرده‌اند ولی به‌عنوان یک نهضت اجتماعی مهم و تأثیرگذار در آمریکای شمالی، توجه چندان شایسته‌ای به آن نشده است (مورگان^۶ و رابینسون^۷، ۱۹۷۶، ص ۱۷). حامیان این نهضت، مطالبات مختلفی داشتند ولی خواسته اصلی آنان که در آثار و گفتگوهای تربیتی شهرت پیدا کرده است، بازگشت به سه مهارت اساسی خواندن، نوشتن و حساب کردن و به عبارت دیگر یک برنامه‌درسی پایه یا کلاسیک بود (بورتون^۸، ۲۰۱۰، ص ۱۲۹؛ موریس^۹، ۲۰۱۰، ص ۹۹).

در تأیید موافقت افکار عمومی با پرورش مهارت‌های اساسی باید به نتیجه نظرسنجی مربوط به مدارس عمومی که در سال ۱۹۷۶ توسط موسسه گالوپ^{۱۰} انجام شد اشاره کرد. مصاحبه‌کنندگان از مردم پرسیدند که چه تغییرهایی می‌تواند در بهبود کیفیت آموزش مدارس عمومی بیشترین نقش را داشته باشد. آنان فهرستی شامل دوازده پیشنهاد را در اختیار پاسخ‌گویان قرار دادند و این امکان را فراهم کردند تا از بین پیشنهادها مطرح شده موارد مطلوب را از نظر خود انتخاب کنند. پیشنهادی که با اقبال عمومی مواجه شد «توجه بیشتر به آموزش مهارت‌های اساسی» بود که پنجاه و یک درصد پاسخ‌گویان آن را انتخاب کردند. حدود پنجاه درصد پاسخ‌گویان نیز «تأکید بر انضباط جدی‌تر» را برگزیدند و ده پیشنهاد دیگر را پنج تا چهل و دو درصد مصاحبه‌شوندگان انتخاب کردند (الام^{۱۱}، ۱۹۷۷، ص ۵۲۱). ذکر این نکته ضروری است که با وجود تأکید حامیان نهضت بازگشت به پایه‌ها بر آموزش سه مهارت اساسی، نباید خواسته‌های آنان را فقط به این مورد محدود کرد.

خواسته‌های اساسی حامیان نهضت

گروه‌های مختلفی حامی نهضت بازگشت به پایه‌ها بودند. مالیات‌دهندگانی که خواستار کاهش سقف مالیات از طریق حذف اشتباهات و کاهش هزینه‌ها بودند، کارفرمایانی که شکایت داشتند که نمی‌توانند دانش‌آموختگانی از دوره متوسطه را بیابند که به درستی بخوانند و محاسبه کنند و اقلیت‌هایی که معتقد بودند کودکانشان در آموزش مهارت‌های اساسی نادیده گرفته می‌شوند، همه از

۱. f.sharifian2005@yahoo.com

۲. Reading, Writing, Arithmetic

۳. Back To The Basics Movement

۴. Governali

۵. Schreier

۶. Morgan

۷. Robinson

۸. Burton

۹. Morris

۱۰. Gallup

۱۱. Elam

۱. استادیار برنامه درسی دانشگاه اصفهان

مهم‌ترین حامیان این نهضت بودند. برودینسکی^۱ (۱۹۷۷، ص ۵۲۲) در تحلیلی جامع، خواسته‌های حامیان نهضت بازگشت به پایه‌ها را بررسی کرده است. وی می‌گوید از آنجا که این گروه، سخنگویان مشخص، خط‌مشی و اصول معینی نداشتند باید به گذشته و ترکیبی از هدف‌های آنان رجوع کرد. فارل^۲ (۱۹۷۷، ص ۱) در تشریح فرایندی که برودینسکی برای شناسایی این خواسته‌ها طی کرده است می‌گوید او با بررسی روزنامه‌ها، گاهنامه‌ها، مکاتبه و گفتگو با مربیان آگاه، تعامل با پژوهشگران و مصاحبه با شخصیت‌های برجسته این فهرست را تهیه کرده است. برودینسکی با طرح این پرسش که حامیان این نهضت در دوره‌های زمانی مختلف چه خواسته‌هایی داشته‌اند، دوازده مطالبه اصلی آنان را به شرح زیر برشمرده است.

- ۱) تأکید بر خواندن، نوشتن و ریاضیات در دوره ابتدایی و اینکه بیشتر زمان مدرسه باید به پرورش این مهارت‌ها اختصاص یابد. آموزش خواندن باید با روش آوایی^۳ انجام شود.
- ۲) در دوره متوسطه اکثر زمان آموزش به دروس انگلیسی، علوم تجربی، ریاضیات و تاریخ اختصاص داده شود که باید با استفاده از متون درسی مناسب و پرهیز از بی‌احترامی به شاکله خانواده سنتی و ارزش‌های ملی تدریس شود.
- ۳) در تمام سطوح تحصیلی معلم باید نقش برجسته داشته باشد و توجهی به صحبت‌های غیرمنطقی درباره ضرورت وجود فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموز محور نشود.
- ۴) روش‌های تدریس و یادگیری باید شامل تمرین، حفظ کردن و از برگویی، تکالیف روزانه و آزمون‌های متعدد باشد.
- ۵) در کارنامه نتایج پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، باید از نمره‌گذاری سنتی (الف، ب، ج، د) یا نمرات کمی (۱۰۰، ۸۰، ۷۵ و نظایر آن) استفاده شود.
- ۶) انضباط سخت‌گیرانه با تنبیه‌بدنی^۴ باید به‌عنوان یک روش پذیرفته‌شده کنترل دانش‌آموزان، حاکم باشد. ضوابط باید نوع پوشش و سبک آرایش موی دانش‌آموزان را تعیین کند.
- ۷) مجوز ارتقاء از یک پایه به پایه بالاتر و اتمام دوره متوسطه باید پس از کسب تسلط بر مهارت‌ها و دانشی که از طریق آزمون‌های پیشرفت تحصیلی سنجیده می‌شود صادر شود. ارتقاء اجتماعی و دانش‌آموخته‌شدن برمبنای زمان صرف‌شده در درس‌های مختلف، قابل پذیرش نیست.
- ۸) باید از موضوع‌های غیرضروری پرهیز شود و مباحثی مانند تربیت جنسی، نژادگرایی^۵ و مواردی از این دست در زمان‌های خارج از فرصت آموزش رسمی مورد توجه قرار گیرد.
- ۹) درس‌های انتخابی باید حذف و بر تعداد دروس اجباری افزوده شود.
- ۱۰) نوآوری‌ها باید ممنوع شود. ریاضیات و علوم جدید، زبان‌شناسی، آموزش با ابزارهای الکترونیک و تأکید بر مفاهیم به جای حقایق، همه باید کنار گذاشته شود.
- ۱۱) مدرسه مسئول ارائه خدمات اجتماعی نباشد زیرا کاری زمان‌بر است و از فرصت‌هایی که باید به برنامه‌درسی رسمی اختصاص یابد کاسته می‌شود. خدمات اجتماعی، شامل مواردی مانند تربیت جنسی، راهنمایی و مشاوره، آموزش پیش‌گیری از مواد مخدر و تربیت‌بدنی است.
- ۱۲) حس میهن‌پرستی^۶، عشق به کشور و عشق به خالق باید به مدارس باز گردد.

1. Brodinsky

2. Farrell

۳. Phonics: روشی است که دانش‌آموزان از طریق درک ارتباط صداها با تک‌تک حروف یا گروهی از آن‌ها، واژه‌ها را رمزگشایی کرده و می‌آموزند.

4. Corporal Punishment

5. Racism

6. Patriotism



به اعتقاد برودینسکی، این فهرست فقط متعصب‌ترین هواخواهان نهضت بازگشت به پایه‌ها را شاد و دلگرم می‌کرد ولی باعث یاس و دلسردی مربیان، حتی محافظه‌کارترین آنان و زمینه‌ساز رفتارها و اقدامات دفاعی می‌شد. ایده‌های حامیان نهضت بازگشت به پایه‌ها آثار مختلفی بر مدارس به‌جای گذاشت (وایس^۱، ۱۹۹۵، ص ۷). برخی ایالت‌ها و نواحی آموزشی، آزمون حداقل شایستگی^۲ را به عنوان یک الزام برای ارتقاء به پایه بالاتر یا به پایان رساندن دوره متوسطه رواج دادند. بعضی از مدارس ایالات متحده برنامه‌های جدیدی را در زمینه هنرهای زبانی و ریاضی ارائه و برخی زمان بیشتری را به این دو موضوع اختصاص دادند. مدارس دیگری وجود داشت که بر سه مهارت اساسی خواندن، نوشتن و حساب کردن تأکید می‌کردند. در مجموع، با وجود تفاوت میان مدارس در پی‌گیری مطالبه‌های این نهضت، همگی برای تضمین کسب شایستگی در مهارت‌های اساسی و تسلط بر دانش حداقلی لازم برای دانش‌آموخته شدن دو رسالت آموزش و آزمون‌های مکرر را دنبال می‌کردند.

صاحب‌نظران منتقد

نهضت بازگشت به پایه‌ها منتقدانی داشته است. برخی از آنان، صاحب‌نظران و مربیانی هستند که برای دانش‌آموز و ویژگی‌های رشدی او اصالت قائل هستند. به‌عنوان نمونه‌ای از این طرز تفکر می‌توان به دیدگاه‌های آرتور فوشی^۳ اشاره کرد. او از پرورش ابعاد مختلف کودک دفاع کرده و خواستار انسانی‌سازی مدارس شده است. از نظر فوشی این نکته نه فقط به معنای رفتار و مواجهه انسانی با دانش‌آموزان بلکه به معنای ارائه نوعی تعلیم و تربیت است که به آنان یاری رساند تا به جنبه‌های انسانی خود عمق بخشند. کلی^۴ نیز به دلیل تأکید بیش از حد نهضت بر سه مهارت اساسی و نادیده گرفتن رشد شخصی از آن انتقاد کرده است. هرچند او اهمیت این مهارت‌ها را به رسمیت شناخته اما معتقد است نباید این مهارت‌های اساسی را آنقدر مصرانه و سلطه‌جویانه آموزش داد که توانایی فرد برای رشد در مسیر انسانی کاهش یابد (گاورنالی، ۱۹۸۳، ص ۵۶۴). گروه دیگری که ایده‌های آنان در نقطه مقابل جهت‌گیری نهضت بازگشت به پایه‌ها قابل بررسی است، حامیان سازنده‌گرایی هستند (واکر^۵، ۲۰۰۳، ص ۴۹). آنان مدافع درک عمیق بوده و هرگز هدف اساسی یادگیری را کسب حقایق و واقعیت‌هایی نمی‌دانند که با آزمون‌های استاندارد سنجیده می‌شود.

کلام پایانی

طی سال‌های گذشته گفت و شنودهای مختلفی در دفاع یا مخالفت با نهضت بازگشت به پایه‌ها مطرح بوده است. با وجود انتقادهایی که به این نهضت وارد شده، دامنه تاثیرگذاری آن محدود نبوده و دلالت‌های آن به ویژه در ریاضیات و حتی حوزه‌های دیگر مانند آموزش بهداشت و سلامت بررسی شده است. تمام نهضت‌های تربیتی دوران اوج و افول دارند و گاه به طور همزمان برای تسلط بر تعلیم و تربیت در حال رقابت هستند. این نکته یادآور دیدگاه هربرت کلیبارد^۶ درباره گروه‌های علاقمند برنامه‌درسی است که همواره آن‌ها را برای تسلط بر برنامه‌درسی در حال کشمکش و رقابت دانسته و در عین حال معتقد است هیچ یک از آن‌ها به تنهایی نتوانسته‌اند برای همیشه تسلط مطلق پیدا کنند. نهضت بازگشت به پایه‌ها نیز در گذر زمان و با تغییر شرایط از این اصل کلی مستثنی نبوده است.

1. Weiss
2. Minimum competency testing
3. Foshay
4. Kelly
5. Walker
6. Kliebard



منابع

- Brodinsky, B. (1977). Back to the basics: The movement and its meaning. *The Phi Delta Kappan*, 58 (7), 522-527.
- Burton, L. D. (2010). Common school curriculum. In: C. Kridel (Ed.). *Encyclopedia of curriculum studies*. London: Sage.
- Elam, S. M. (1977). Nostalgia's child: Back to the basics. *The Phi Delta Kappan*, 58 (7), 521-552.
- Farrell, E. J. (1977). The basics: Random reflections on a movement. *Paper presented at the annual conference of the Virginia Council of Teachers of English* (Richmond, November 4-5).
- Governali, J. (1983). Health education and the back to basics movement. *Journal of School Health*, 53 (9), 564-567.
- Morgan, M. T., & Robinson, N. (1976). The back to the basics movement in education. *Canadian Journal of Education*, 1 (2), 1-11.
- Morris, R. C. (2010). History of career education curriculum. In: C. Kridel (Ed.). *Encyclopedia of curriculum studies*. London: Sage.
- Schreier, R. (1980). Parents, teachers and back to basics. *The Clearing House: A Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas*, 53 (6), 285-286.
- Walker, D. (2003). *Fundamentals of curriculum: Passion and professionalism*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Weiss, J. (1995). Back to basics through the years. *Catalyst*, 12 (4), 7-8.

منابع تکمیلی

- Carter, J. M. (1983). Back to the basics: Back to boredom? *The Clearing House: A Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas*, 57 (3), 100.
- Ellis, M. W., & Berry, R. Q. (2005). The paradigm shift in mathematics education: Explanations and implications of reforming conceptions of teaching and learning. *The Mathematics Educator*, 15 (1), 7-17.
- Malaty, G. (1988). What is wrong with the back-to-basics movement and what was wrong with the new-math movement. *International Journal of Mathematical Education in Science and Technology*, 19 (1), 57-65.
- Palardy, J. M. (1988). Back to basics revisited and reanalyzed. *The Teacher Educator*, 24 (2), 2-6.
- Robinson, H. A. (1978). Back to the basics? *The High School Journal*, 62 (3), 148-150.
- Van Til, W., Brownson, W. E., & Hamm, R. L. (1975). Back to basics-with a difference. *Educational Leadership*, 33 (1), 8-13